

۴ در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) عبارت «معلمان ما» درست ترجمه نشده است. در گزینه‌ی (۲) «هَذَا اللَّغَةُ» رعایت مؤنث نشده است. دانش‌آموزان در گزینه‌ی (۱) مفرد معنی شده در گزینه‌ی (۳) دانش‌آموزانشان ترجمه شده است (تلامیذهم) نادرست است.

۲ «لِیَعْلَمَ»: باید بداند (امر غایب است) / «الْفُزَاةُ»: مهاجمان اشغال‌گر و غارت‌گران متجاوز / «صامد»: پایدار و مقاوم / «أَنْ»: که / «نُصِبُ»: می‌ریزیم / «ضُوبُ»: جهت، سمت و سو

۳ در گزینه‌ی (۱) فعل شرط و جواب شرط ماضی هستند لذا نباید مجزوم با اعراب ظاهری شوند. در گزینه‌ی (۲) فعل‌ها باید مجزوم شوند. در گزینه‌ی (۴) جواب شرط مجزوم نشده است. ضمناً در گزینه‌ی (۳) فعل شرط مجزوم شده است و به خاطر التقای ساکنین کسره‌ی عارضی گرفته است.

۱ فعل شرط در گزینه‌ی (۲) بر غایب دلالت دارد و مصدر آن «تَقَدَّمَ» است نه «تَقْدِیم». در گزینه‌ی (۳) و (۴) فعل «تجدون» مجزوم نشده است لذا نادرست هستند.

۲ در گزینه‌های (۱) و (۴) فعل‌های ماضی مجزوم شده‌اند («تَأَمَّلُ» در گزینه‌های (۱) و «سَلِمَ» در گزینه‌ی (۴)) و در گزینه‌ی (۳) نیز فعل‌های مضارع مجزوم نشده‌اند لذا فقط گزینه‌ی (۲) درست می‌باشد.

۳ «الطَّلَابُ» یا «الطَّالِبَاتُ» حتماً باید «ال» بگیرد. «أداء» مضاف است لذا «ال» نمی‌گیرد. «لَحْظَةً» مفعول فیه و منصوب است.

۱ «هر کس قبل از سخن گفتن بیندیشد از اشتباه در امان می‌ماند» با گزینه‌ی (۱) که «خوب بیندیش قبل از سخن گفتن تا خودت را از اشتباه حفظ کنی» هم‌مفهوم هستند.

۳ «عُلِقْتُ» فعل مجهول است و «قِلَادَةٌ» نائب فاعل آن است. پس معنای درست به صورت «گردنبندی در گردن گریه‌ای که در حیات می‌دوید آویخته شده است.» می‌باشد.

۲ لا در این عبارت لای نهی می‌باشد و فعل بعد از خود را مجزوم می‌سازد و کلمه‌ی «اولیاء» مفعول دوم فعل «یَتَخَذُ» است.

۴ ترجمه‌ی درست سایر گزینه‌ها:

۱ قبل از هر چیزی قدرت باید بر عقل اعتماد و تکیه کند. / ۲ بسیاری از چیزها را می‌دانیم ولی آن‌ها در خاطرم نیستند. / ۳ خانواده بدون شک بسیار در تربیت فرزندان تأثیرگذار است.

۱ ترجمه‌ی درست عبارت: اگر با نیکان مشورت کنی، هرگز پشیمان نخواهی شد.

۱ «فَقَطُّ» در گزینه‌ی ۳ ترجمه نشده است. / عیوب دیگران: عیوب آخرین (رد گزینه‌ی ۳) / غافل می‌شویم: نغفل (رد گزینه‌ی ۲ و ۳ و ۴) / عیوب‌های خود: عیوب أنفسنا (رد گزینه‌ی ۲ و ۳ و ۴) /

۲ «هر کس قبل از سخن گفتن بیندیشد از اشتباه در امان می‌ماند.» با گزینه‌ی (۲) تناسب دارد.

۱ ۲ اسم المبالغة (ص: صفة مشبهة) / مجزوم (ص: منصوب)

۳ جمع التکسیر (ص: مفرد مونث) / مجزوم ... (مانند گزینه‌ی ۲)

۴ اسم المبالغة (مانند گزینه‌ی ۲)

۳ «ل + مضارع» اگر در شروع کلام بیاید، فعل را مجزوم می‌کند و اگر در میان کلام آمده باشد، فعل را منصوب می‌کند. در گزینه‌ی ۳، «لِيتَأَمَّلُوا» مجزوم و «لِيَسْمَلُوا» منصوب است. در گزینه‌های ۱ و ۲، «لِيَجْتَهِدُوا» و «لِيَعْمَلُوا» شروع جمله هستند. «لم» در گزینه‌ی ۴ هم جازمه است.

۱ لام «لَتَعْلَمَ» به معنای «برای این‌که» می‌باشد نه به معنای «باید» لذا ناصبه است اگر چه در اول جمله قرار گرفته است. لام در گزینه‌های ۲ و ۴، جازمه و امر است و در گزینه‌ی ۳، (لتعليم) حرف جرّ می‌باشد.

۴ اعداد ۱۰-۳ از نظر جنس بر خلاف محدود خود به‌کار می‌روند و در این عبارت «صحف» جمع «صحيفة» و مونث است پس عدد «ثلاث» مناسب آن است. بر همین اساس در گزینه‌ی ۱، عدد «ثلاث» مناسب است زیرا «جُمْل» جمع «جملة» و مونث است. در گزینه‌ی ۲، «سجدة واحدة» صحیح است و در گزینه‌ی ۳، «الإثنان» مفعول است و باید منصوب باشد (الإثنين).

۴ در گزینه‌های ۱ و ۲ «ن» جزء حروف اصلی فعل است. در گزینه‌ی ۳، «مساعدون» اسم است.

۴ «يَتَقَوَّنَ» مضارع مرفوع بالتون است. در گزینه‌ی ۱، «أرسلوني» (أرسلوا + ن + ی) فعل ماضی و «ن» و قایه است. در گزینه‌ی ۲ و ۳، «ن» جزء حروف اصلی افعال می‌باشد.

۱ در گزینه‌ی ۲، «ثلاثة» در گزینه‌ی ۳، «العاشرة» و در گزینه‌ی ۴، «خمسة» صفت نیستند.

۱ در سایر گزینه‌ها: «حَتَّى يَقْدُرُوا»، «لِنَتَكَلَّمْ»، «لِنَسْتَفِيدَ» مضارع منصوبند.

۲ در سایر گزینه‌ها: لام جازة به کار رفته است. (لام جازة بر سر اسم می‌آید).

۱ لا (نهی) + فعل مضارع (در صیغه‌های غایب و متکلم) به صورت «نباید ...» ترجمه می‌شود مثل «لا یشرک» که به صورت «نباید شریک قرار دهد» باید ترجمه شود.

۱ هرگاه اسم جمع مذكر سالم، مضاف‌الیه بگیرد نون آن حذف می‌شود. همچنین «لِنَسَاعِدْ» باید کمک کنیم»

۲ ۱ «ای کاش انسان ارزش وقت را بداند، زیرا آن ارزشمندترین چیز در هستی است.» / ۳ «او به خاطر موفقیت در درس‌هایش تلاش می‌کند.» / ۴ «به آسمان بنگر که چگونه با زیور ستارگان آراسته شده است.»

۲ «أَمَّنَّا»: ایمان آوردیم / «لَمْ تُؤْمِنُوا»: ایمان نیاوردید / «أَسْلَمْنَا»: اسلام آوردیم

۴ «هر کس به زیاد طمع کند، به کم دست نمی‌یابد» ترجمه‌ی درست عبارت صورت سؤال است که با گزینه‌ی (۴) که مفهومش «عدم دستیابی انسان حریص به خواسته‌هایش است» می‌باشد، تناسب مفهومی دارد.

۲ الْعَالَمُ يَقُومُ بِالْعَمَلِ: عالم بر کار برپاست (ردّ گزینه‌ی ۱) / لَنْ يَسْتَطِيعَ: هرگز نخواهد توانست (ردّ گزینه‌ی ۱ و ۳ و ۴) / مِنْ هَذِهِ السَّنَةِ الْإِلَهِيَّةِ: از این سنّت الهی (ردّ گزینه‌ی ۴) / إِنْ تَدْرِكُهَا تَفْزُ: اگر آن را درک کنی رستگار می‌شوی (ردّ گزینه‌ی ۳) معمولاً جواب شرط بر آینده هم دلالت دارد.

\* دقت کنید که اگر ادوات شرط بر سرفعل ماضی بیابند همچنان فعل شرط، مضارع التزامی و جواب شرط، مضارع اخباری ترجمه می‌شود.

۱ «هر کس تلاش کند می‌یابد» با عبارت «هر کس ذره‌ای خوبی انجام دهد آن را می‌بیند (می‌یابد)» تناسب ندارد.

۱ «لِنُحَارِبَ»: باید بجنگیم (ردّ سایر گزینه‌ها)

۳ این، معجزه‌ی قرآن است: هذه معجزة القرآن (ردّ گزینه‌ی ۲) و (۴)

«معجزه‌ی قرآن»: مضاف و مضاف‌الیه است و ترجمه‌ی آن به صورت موصوف و صفت نادرست است. پس «معجزة قرآنية» نادرست است. (ردّ گزینه‌ی ۱)

۱ یردّ: باز می‌گرداند.

در گزینه‌ی (۲)، (۳) و (۴) «مَنْ» از ادوات شرط است و باید به صورت «هر کس» ترجمه شود. ضمناً «يَعْمَلُ» فعل شرط است و باید به صورت «انجام دهد» ترجمه شود نه اینکه «کاری انجام دهد». در گزینه‌ی (۴) «نتیجه‌ی کارش» در عبارت نیست. و باید به صورت «خدا امورش را...» ترجمه شود.

۳ مَنْ يَنْسَ خَطِيئَتَهُ يَعْذِبُ عِيبَ النَّاسِ عَظِيماً: هر کس خطای خود را فراموش کند عیب مردم را بزرگ می‌شمارد.

۱ ۴ «مَنْ»: هر کس (از ادوات شرط) / «يُطْعَ»: اطاعت کند (فعل شرط) / «جَمِيعُ الْاَحْوَالِ»: همه‌ی احوال / «يَصْلُحَ»: اصلاح می‌کند، سامان می‌دهد (جواب شرط) / «أَمْرُ دُنْيَا»: کار دنیای او / «أَيْضاً»: همچنین

۳ «يَجِبُ أَنْ»: باید، واجب است که / «عُيُوبِ أَنْفُسِنَا»: عیب‌های خودمان / «حَتَّى نَغْفَلَ»: تا غافل شویم / «مَنْ»: هر کس (از ادوات شرط) / «يَنْظُرُ»: نگاه کند (فعل شرط) / «يَنْسَ»: فراموش می‌کند (جواب شرط)

۱ «امروز تتبلی را ترک کن برای این که فردا پیشرفت کنی».

۴ «إِذَا» از ادوات شرط غیرعامل است. / «اعتبر»: به شمار آورد / «رِخَاءً»: آسودگی

۳ در گزینه‌ی (۱) نباید ترک کرد، ترجمه نشدن «شیئاً» و «الله»، در گزینه‌ی (۲) نباید رها شود، آنچه از امور دینی است نادرست هستند و در گزینه‌ی (۴) ضمیر «کم» در «دنیا» و «الله» ترجمه نشده است.

۴ گزینه‌ی (۱): يَسَاعِدُوا (صحيح: «يساعدون»)، شدائد (صحيح: «الشدائد»)، تندفع (صحيح: «ستندفع»)، نعمة و رحمة الله (صحيح: «نعمة الله و رحمته» / گزینه‌ی (۲): ساعدوا، اندفعت، نعمة و رحمة الله

گزینه‌ی (۳): تساعدن (صحيح: «يساعدن»)، سيندفع (صحيح: «ستندفع»)، نعمة و رحمة الله (مانند گزینه‌ی (۱)، اللهم (صحيح: «الهي»)

۳ در این گزینه «لِلْوَصُولِ إِلَى اجْتِهَادٍ...» برای رسیدن به کوشش» خطاست.

۱ در گزینه‌ی (۲) «از مالتان» صحيح است. / در گزینه‌ی (۳) «خواهد بود» و «بی‌شک» خطا می‌باشند. / در گزینه‌ی (۴) «تواند» خطاست.

۳ صحيح این گزینه چنین است: «سَعَتْ فِلَنَفْسَهَا تَسْعَى...»

۴ با توجه به ترجمه‌ی بیت «آنسان متجاوزانی هستند که اگر چه گل ما را کُشتند، هرگز امید را در گل یاس نخواهند کشت»، گزینه‌ی (۴) این مفهوم را دارد: «دشمن با کشتن جوانان و کودکان ما نمی‌تواند بر ما چیره شود و امید را از قلب‌های نسل ما خارج کند».

۴ کلید گنج فرهنگ اسلامی: «مِفْتَاحُ كَنْزِ الثَّقَافَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ» / هر کس: «مَنْ» (اسم شرط است) / آن را یاد بگیرد: «تَعَلَّمَهَا» / می‌یابدش: «وَجَدَهُ» (اگر فعل شرط و جواب شرط فعل‌های ماضی باشند، به زمان مضارع ترجمه می‌شوند).

۲ در گزینه‌ی (۱) «بودید» و «زندگی» بدون ضمیر و در گزینه‌ی (۳) «آن» و «بوده است» و در گزینه‌ی (۴) ترجمه نشدن «لَا تُخْلَفُ» از موارد نادرست هستند.

۴ پرتاب می‌کنند: «يَرْمُونَ» / سنگ (را): «الحجر» / از هر جهت: «مِنْ كُلِّ صَوْبٍ»

۳ «مَنْ» (اسم شرط است): هر کس / «تَعَرَّفَ عَلَيَّ»: آشنا شود (فعل شرط) / «لَا يَضِيعُ» (جواب شرط): تباہ نمی‌سازد

۲ «هر که بزرگی می‌خواهد باید شب‌ها بیدار بماند» (۱) «برای دست‌یابی به بزرگی زحمت کشیدن و رنج بردن فقط در شب لازم است.» / (۲) «کسب درجات بلند تنها به میزان زحمت و رنج است.» / (۳) «نتیجه‌ی بیداری در شب، کسب درجات در آخرت است.» / (۴) «دست‌یابی به عزّت امکان‌پذیر نیست، مگر با دوری جستن از خواب.» توضیح این که با توجه به مفهوم - فقط مصراع اول - این شعر گزینه‌ی (۴) که برای وصول به عزت دوری جستن از خواب را ملاک می‌داند، می‌تواند پاسخ درست باشد.

۳ «إِنْ» اگر، چنانچه / «قَاوَمَ الفِلَسْطِیْنِ»: فلسطینی‌ها ایستادگی کنند («قَاوَمَ»: فعل شرط) / «مَقَابِلَ الْغَزَاةِ»: در برابر متجاوزان / «یَقْدِرُوا»: می‌توانند (جواب شرط) / «أَنْ یَسْتَرْجِعُوا»: باز پس گیرند / «أَرْضِیْهِمْ»: سرزمین‌هایشان را نکته‌ی مهم درسی:

در جملات شرطی فعل شرط و جواب شرط حتی اگر ماضی باشند، به صورت مضارع ترجمه می‌شوند.

۴ ترجمه‌ی بیت داده شده: «مهاجمان اشغالگر اگرچه گل سرخ ما را بکشند، رؤیا (رؤیای امید و پیروزی) را در گل یاسمن (نسل آینده) نخواهند کشت.» که این موضوع با عبارت گزینیه‌ی «۴» ارتباط مفهومی دارد. ترجمه‌ی گزینیه‌ی «۴» «برای دشمنان بیرون کردن آرزوها از دل‌های ملت ما، با کشتن جوانانمان ممکن نیست.» بیت صورت سؤال و این گزینیه هر دو به از بین نرفتن امید، اشاره دارند.

۴ «مَنْ» (از ادوات شرط): هرکس / «طَلَبَ»: بخواهد (فعل شرط) / «الْعَلَى»: بزرگی / «تَحْمَلُ»: تحمل می‌کند. (جواب شرط) / «تَعَبَ تَعْلَمُ»: رنج فراگیری / «عِلْمُ عَصْرِهِ»: دانش‌های عصر خویش آیه‌ی داده شده به این مطلب اشاره دارد: «هر چه را پیشاپیش برای خودتان بفرستید آن را نزد خدا می‌یابید» که این با آیه‌ی گزینیه‌ی (۱) که اشاره دارد به این که «هر کس به اندازه‌ی ذره‌ای خوبی کند آن را می‌بیند» تناسب دارد.

تشریح گزینیه‌های دیگر: گزینیه‌ی (۲): «و خدا به هر کس بخواهد بی حساب روزی می‌دهد» با آیه‌ی صورت سؤال هم‌مفهوم نیست. گزینیه‌ی (۳): «خودتان را محاسبه کنید پیش از آن که محاسبه شوید.» (به حساب شما رسیدگی شود.) با آیه‌ی صورت سؤال هم‌مفهوم نیست. گزینیه‌ی (۴): «آیا ندانسته‌ای که خدا بر هر چیزی تواناست.» با آیه‌ی صورت سؤال هم‌مفهوم نیست.

۳ (۱) گوش بدهیم: الاستماع (صورت صحیح: «أَنْ نَسْتَمَعَ»، ترجمه کنیم: مَنْ تَرْجُمَةُ الْجَمَلَاتِ (صورت صحیح: «أَنْ نَرْجُمَ الْجَمْلَ»، بآئینا: زائد است و در اصل وجود ندارد. / ۲) تا بتوانیم: «حتی نگویند قادرین» ادق نیست زیرا مفهوم آن می‌شود: تا این که قادر باشیم (صورت صحیح: «حتی نستطیع»، ترجمه کنیم: علی ترجمه (صورت صحیح: مانند توضیح گزینیه‌ی (۱)، بنفسا: زائد است. / ۴) گوش دهیم: نسمع (صورت صحیح: «نستمع»، ما باید (در تعریب لحاظ نشده) زیرا «لام» به کار رفته در «فلیعبدوا» لام امر

۲ است و جزم فعل با حذف نون اعراب است. گزینیه‌ی (۱): این مفهوم مناسب لام تعلیل است و نه لام الامر. / گزینیه‌ی (۳): این مفهوم ترجمه‌ی مضارع مخاطبین «تعبدون» است. / گزینیه‌ی (۴): این مفهوم ترجمه‌ی مضارع مخاطبین است که در عربی بالام الامر کاربرد ندارد.

۴ بعد از ادوات شرط لازم است بلافاصله فعل شرط بیاید، بنابراین در گزینیه‌ی (۴) چون پس از ادوات شرط «إِنْ»، اسم «التلامیذ» آمده است، نادرست می‌باشد.

۱ «هَؤُلَاءِ التَّلَامِیْذُ»: این دانش‌آموزان / «لَمْ یَقْضُوا»: کوتاهی نکرده‌اند / «فِي مَطَالَعَةِ الدَّرُوسِ»: در مطالعه‌ی درس‌ها / «أَدَاءَ وَاجِبَاتِهِمُ الْمَدْرَسِیَّةِ»: انجام تکالیف مدرسه‌ی ایشان / «أَبْدًا»: هرگز، هیچ‌گاه

۳ با توجه به معنای بیت مورد سؤال، یعنی «پس علیه مرگ، حرکت کن و تسلیم نشو که تو آن پایداری هستی که نرم نمی‌شود.» (تسلیم نمی‌شود و سازش نمی‌کند). بیت فارسی گزینیه‌ی (۳)، از جهت مفهوم، با آن تناسبی ندارد و با آن هم‌مفهوم نیست؛ زیرا این بیت بر لطف کردن به دشمن و مهربانی کردن با او، تشویق می‌کند. سایر گزینیه‌ها از لحاظ مفهومی با بیت مورد سؤال، مرتبط هستند.

۴ تشریح گزینیه‌های دیگر: گزینیه‌ی (۱): به دلیل عدم مطابقت «غرسن» با «حصدم» و هم‌چنین آمدن «یوماً» به صورت نکره، نادرست است. / گزینیه‌ی (۲): به خاطر حذف بی دلیل «ن» در «تغرسوا» و «تحصدا» و هم‌چنین آمدن «یوماً» به صورت نکره، نادرست است. / گزینیه‌ی (۳): «قلوبکم» و «بذر» نادرست‌اند.

۳ «مَنْ»: هر کس، هر که (رد گزینیه‌ی (۲)) / «یُرَدُّ»: بخواهد (رد گزینیه‌های (۲) و (۴)) / «أَنْ یَنْجَحَ»: موفق شود (رد گزینیه‌ی (۱)) / «فِی حَیَاةِهِ»: در زندگی خود (رد گزینیه‌ی (۱)) / «فَلِیَحْصُلَ»: پس باید تلاش کند (رد گزینیه‌ی (۱)) / «أَنْ یَسْتَفِیدَ»: که استفاده کند / «مَنْ اَوَاقَتَهُ»: از اوقات خود (رد گزینیه‌های (۱) و (۴)) نکته‌ی مهم درسی

«مَنْ» از ادوات شرط به معنای «هر کس، هر که» است؛ باید توجه داشت که با ترجمه‌ی «مَنْ» موصولی (کسی که) اشتباه نشود.

۱ «جَوَانُ تَلَاشِغَرِی»: شاب مجتهد / «که پیشرفت‌ش اندک است»: تَقْدُمُهُ قَلِیل / «در آغاز کار». فی بدایة الأمر / «ناامید نمی‌شود»: لَا یَیْأَسُ

۳ «کُنَّا نَطْلُبُ» می‌خواستیم (ماضی استمراری) / «مِنْ الْقَدَسِ»: از قدس / «أَنْ لَا تَیْأَسَ»: که ناامید نشود / «بَلْ»: بلکه / «تَسْیِرُ»: حرکت کند (چون حرف ناصبه «أَنْ» در آن تأثیر می‌گذارد.) / «إِلَى الْفَجْرِ»: به سوی روشنایی (سپیده) / «تَتَوَرَّ»: قیام کند / «عَلَى الظَّالِمِینَ»: علیه ستمگران / «حَتَّى نَفُوزَ» تا پیروز شود تشریح گزینیه‌های دیگر:

گزینیه‌ی (۱): «می‌خواهیم» ترجمه‌ی درست برای «کُنَّا نَطْلُبُ» نیست و «حَتَّى» معنای «و» نمی‌دهد.

گزینیه‌ی (۲): «ناامیدی در او نفوذ نکند»، اضافه است و «به سوی طلوع فجر» نیز ترجمه‌ی دقیقی نیست.

گزینیه‌ی (۴): «می‌خواهیم» ترجمه‌ی درست برای «کُنَّا نَطْلُبُ» نیست. جمله به شکل آزاد ترجمه شده و «تَفُوزَ» به معنای «پیروز (موفق) شود» است.

۳ (۱) که این جهان: اَنَّ العالم (صورت صحیح: «أَنَّ لهذا العالم»، تغییر نمی‌کند: لا تغییر لها (صورت صحیح: «لا تتغير»)/ (۲) که این جهان: اَنَّ العالم عنده (صورت صحیح: مانند (۱))، تغییر نمی‌کند: بدون تغییر (صورت صحیح: «لا تتغير»)/ (۴) تأکید می‌کند: تأکید (صورت صحیح: «يؤكد»)، که این جهان: لهذا العالم (صورت صحیح: مانند (۱))، قوانین و سنت‌هایی دارد: على القوانين و السنن (صورت صحیح: «له قوانین و سنن»)

۴ «تَخْرُجَا» منصوب به حذف نون می‌باشد. بقیه‌ی موارد صحیح هستند.

۳ هر دو فعل، به «الکشان» بر می‌گردند که مفرد مذکر است لذا گزینه‌های (۱) و (۴) نادرست هستند. در جای خالی اول، فعل باید مجزوم به «لم» و در جای خالی دوم، منصوب به «لن» باشد.

۲ با توجه به معنای جمله، گزینه‌ی (۲) صحیح است. «شرك نورزد» ضمناً «لن» از حروف ناصبه است.

۱ «مَنْ» در این گزینه از ادوات شرط است. «ما» در گزینه‌ی (۱)، «ما» در گزینه‌ی (۲) و «مَنْ» در گزینه‌ی (۴) همگی اسم موصول می‌باشند. «ما» در گزینه‌ی (۳) «ما»ی تعجب است که خارج از برنامه‌ی درسی دوره‌ی دبیرستان است.

۳ «حَفَرٌ» و «وَقَعَ» به ترتیب فعل شرط و جواب شرط هستند و چون ماضی می‌باشند، لذا محلاً مجزوم هستند. پس علامت سکون را نمی‌پذیرد. «بُتِرَ» مفعول است و باید منصوب باشد. شکل صحیح کلمات نادرست عبارت است از: «حَفَرٌ - وَقَعَ - بُتِرٌ»

۴ «يَحْسَنُ» مرفوع به اعراب اصلی «ضَمّه» است. / «يَذْهَبُونَ»: مرفوع با ثبوت نون است. / «تَخْرُجْنَ»: مبنی بر سکون است. این فعل معرب نمی‌باشد و نون در این فعل، ضمیر فاعلی است.

۲ در گزینه‌ی (۱)، فعل «يَعْلَمُ» به عنوان جواب شرط باید مجزوم شود. / در گزینه‌ی (۳)، نیز فعل «يَتَأَمَّلُ» به عنوان فعل شرط باید مجزوم شود. / در گزینه‌ی (۴)، فعل شرط و جواب شرط، ماضی هستند لذا محلاً مجزوم می‌باشند نه ظاهراً (علامت جزم نمی‌گیرند). ۱ «للمخاطبة» یعنی مفرد مؤنث مخاطب لذا صیغه‌ی افعال گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) نادرست هستند. فعل «لا تُجاهدِ» مجزوم به حذف نون است.

۱ در گزینه‌ی (۱) «لام» از ادوات جازمه است و فعل، مجزوم است. بقیه درست هستند.

۳ با توجه به کلمه‌ی «أمس» یعنی: «دیروز»، وقوع فعل به زمان ماضی برمی‌گردد لذا فقط گزینه‌ی (۳) درست است. ترجمه: دانش‌آموزان دیروز در انجام تکلیفشان، سستی نکردند.

۳ شکل درست سایر گزینه‌ها: ۱ «يقول»: مرفوع با اعراب اصلی ضمه / ۲ «تتالوا»: مضارع منصوب با اعراب فرعی ۱ «تَحْبَوْنَ»: مضارع مرفوع با نون، اعراب فرعی

۱ دقت کنیم که «لَنْ» نمی‌تواند باشد چون ناصبه است و «مَنْ» و «إِنْ» نیز از نظر معنی نادرست هستند پس «ما» می‌شود به معنای، هر چیزی را در خفا انجام دهی، خدا آن را می‌داند.

۳ فعل جمله در عربی نهی غایب می‌شود «نباید» پس مضارع مجزوم است.

۲ در گزینه‌ی (۱) ما اسم شرط است. / در گزینه‌ی (۳) اسم استفهام است. / در گزینه‌ی (۴) اسم موصول است اما در گزینه‌ی (۲) حرف نفی است.

۴ در گزینه‌ی (۱): با توجه به شرطی بودن جمله باید فعل‌ها مجزوم شوند. / در گزینه‌ی (۲): «أَنْ يقرؤنَ» باید به «أَنْ يقرؤوا» تبدیل شود. / در گزینه‌ی (۳): با توجه به غایب بودن «الطالبات»، «تقرأن» باید به «يقرأن» تبدیل شود.

۴ «لام امر» اگر بر سر فعل مضارع بیاید آن را مجزوم می‌سازد. در گزینه‌ی (۴) فعل مضارع مجزوم نشده است.

۲ «لم» بر سر فعل مضارع می‌آید و آخر آن را مجزوم می‌سازد و با توجه به صیغه‌ی للمخاطبة فعل «لم تشعري» پاسخ درست است.

۱ با توجه به ضمیر «کم» و فعل «تجدوه» باید فعل در صیغه‌ی مخاطبین نوشته شود و ضمناً چون فعل شرط بوده و بعد از اسم شرط «ما» آمده است باید مجزوم شود.

۲ در گزینه‌ی ۱ «لَمْ يَقْصُرَنَّ» در گزینه‌ی ۳ «ليقرؤوا» و در گزینه‌ی ۴ «يَزِدُّ» و «يُرْغَمُ» درست هستند.

۴ «إِنْ» از ادوات شرط است و دو فعل را مجزوم می‌کند در گزینه‌ی ۴ «يحرصا» و «يتقربا» درست هستند.

۴ در «ليغفر» لام ناصبه به کار رفته است پس فعل مضارع منصوب است. در گزینه‌ی (۱) «لِ» جازمه و در گزینه‌ی (۲) و (۳) لام جازمه به کار رفته است.

۱ + اسم ← لام جازمه / لِنجلس: در ابتدای جمله آمده و معنای «باید بنشینیم» می‌دهد، پس لام جازمه است. / «لِنسمع»، «برای این‌که بشنویم» معنا می‌شود پس لام ناصبه است.

۴ در گزینه‌ی (۱)، لام جازمه و در گزینه‌ی (۲) و (۴) لام جازمه به کار رفته است.

۱ در گزینه‌های (۲) و (۴) «ما» حرف نفی است و در گزینه‌ی (۳) «ما» اسم شرط است با توجه به مجزوم شدن دو فعل بعد از آن. ولی در گزینه‌ی (۱) «ما» اسم موصول است. دقت کنید که فعل بعد از آن مجزوم نشده و معنی «آنچه» می‌دهد.

۲ «بسیار کوشیدم تا خودم را از خشم و غضب دور کنم» پس لام در این گزینه ناصبه است. در سایر گزینه‌ها لام، جازمه است.

۱ در این گزینه «مَنْ» اسم موصول است نه اسم شرط.

تذکره: اگر ادوات شرط بر سر فعل ماضی هم بیایند همچنان فعل شرط مضارع التزامی و جواب شرط مضارع اخباری ترجمه می‌شود. دقت کنیم که ادوات شرط فعل‌های ماضی را محلاً مجزوم می‌کنند چون مبنی هستند.

۱ «تعاشری» مضارع للمخاطبة مجزوم به حذف نون علامت فرعی اعراب. اگر قبل از «لا» حرف ناصبه بیاید مثل «أن» در گزینه‌ی (۴) حرف ناصبه عمل می‌کند. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۲): «تنصحا» منصوب با علامت اعراب فرعی است. گزینه‌ی (۳): «تذوقوا» ماضی للغائبین، جواب شرط و محلاً مجزوم است. گزینه‌ی (۴): «تعتمدی» مضارع منصوب به حذف نون است.

۳ در این گزینه، نوع لام، «جازه یا امر» است و «باید» ترجمه می‌شود. در سایر گزینه‌ها «لأکمل، لتبعد، لأتعلّم» همگی مضارع منصوب به لام ناصبه هستند.

۲ «یصبر» مضارع مجزوم با «لام» جازمه است. (باید صبر کند) تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱): «یصبر» مضارع منصوب است. گزینه‌ی (۳): «یصبر» مضارع مرفوع است. گزینه‌ی (۴): «یصبر» مضارع منصوب است.

۲ «إن» از نواسخ و «تقدّم» اسم «إن» است؛ «یحاکي و ینال» هر دو مضارع مرفوع هستند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱): «یقدّر و یقتل» به ترتیب مضارع مجزوم و منصوب هستند. گزینه‌ی (۳): «یعرّف، یتکلم، یراقب و تقول» به ترتیب مضارع مرفوع، منصوب، مجزوم و مرفوع هستند.

گزینه‌ی (۴): «تتصروا و یتروا» به ترتیب مضارع منصوب و مجزوم هستند. ۳ «للتقدّم» دارای «لام» ناصبه است؛ زیرا لازمی پیشرفت را منوط به سعی بسیار کرده است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱): «فلنجهتد» مضارع مجزوم است. (ف + ل + مضارع مجزوم) گزینه‌ی (۲): در «لیجتهدوا»، لام، جازمه است و مضارع مجزوم و به معنی «باید» می‌باشد.

گزینه‌ی (۴): در «لیعرف»، لام، جازمه و مضارع مجزوم و به معنی «باید» می‌باشد.

۳ صورت سؤال، نوعی از «ما» را می‌خواهد که دو فعل را مجزوم نکرده باشد، به عبارت دیگر از نوع جازمه (شرط) نباشد، در گزینه‌ی (۳): «ما» از نوعی نفی است که فعل ماضی «تعلّم» را منفی کرده است.

۳ فعل شرط و جواب شرط، حتی اگر ماضی نیز باشند، به صورت مضارع ترجمه می‌شوند. (فعل شرط ← مضارع التزامی)، (جواب شرط ← مضارع اخباری).

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱): «لم یهملوا» ماضی ساده منفی یا ماضی نقلی منفی است «اهمال نکردند، اهماّل نکرده‌اند».

گزینه‌ی (۲): «لما یذهب» ماضی ساده منفی یا ماضی نقلی منفی است «نرفت و نرفته است».

گزینه‌ی (۴): «لم یکن یحصل» ماضی استمراری منفی است «کسب نمی‌کرد».

۱ منظور از «ما» جازمه، مای شرط است که در گزینه‌ی (۱) به کار رفته است که بعد از آن دو فعل «تعمل» و «تحدّد» مجزوم به کار رفته‌اند.

گزینه‌ی (۲): مای نفی / گزینه‌ی (۳): مای استفهام / گزینه‌ی (۴): مای نفی است.

۲ گزینه‌ی (۱): «لم یستطع»: مضارع مجزوم / «أن یأتی»: مضارع منصوب / گزینه‌ی (۲): «لم یقصر»: مضارع مجزوم / «یصل»: مضارع مجزوم (جواب شرط و مجزوم) / گزینه‌ی (۳): «لیستقیظ»: مضارع مجزوم / «حتی یاخذوا»: مضارع منصوب / گزینه‌ی (۴): «ینادی»: مضارع مرفوع / «أن شاهد»: مضارع منصوب / «لم أفهم»: مضارع مجزوم

۲ «تُصیب» نادرست است و درست آن «تُصبّ» است. (فعل‌های اجوف در صورت مجزوم شدن در صیغه‌های ۱، ۴، ۷، ۱۳ و ۱۴ حرف عله‌شان حذف می‌شود).

۳ «ل» در گزینه‌ی (۱)، لام جازمه / در گزینه‌ی (۲) لام جازّه / در گزینه‌ی (۴) لام تاکید است (لام ناصبه در وسط جمله و پس از یک جمله‌ی کامل دیگر به کار می‌رود).

۱ «لامی» که در ابتدای جمله بر سر فعل «مضارع» می‌آید، لام امر (لام جازمه) است و «لامی» که در وسط عبارت با معنای (تا این‌که) می‌آید، لام ناصبه می‌باشد.

۱ در این گزینه، کلمه‌ی «من» مفعول به قرار دارد و محلاً منصوب است. در گزینه‌های (۲) و (۴)، کلمه‌ی «من» مبتدا و محلاً مرفوع، و در گزینه‌ی (۳)، کلمه‌ی «من» در نقش فاعل قرار دارد و محلاً مرفوع می‌باشد.

۱ «ما عملت...» در این گزینه «ما» اسم شرط و عامل جزم می‌باشد. در گزینه‌ی (۲) کلمه‌ی «ما» حرف نفی و در گزینه‌ی (۳) اسم موصول و در گزینه‌ی (۴) اسم استفهام است.

۳ کلمه‌ی «من» در این گزینه از اسماء شرط و عامل جزم می‌باشد (فعل شرط «عمل» و جواب شرط «جزی» هر دو ماضی و محلاً مجزوم می‌باشند).

۱ «ل» در «لیعّف»، از حروف جازمه (لام امر) است که فعل مضارع ناقص «یُعّفو» را مجزوم به حذف حرف عله کرده است. «ل» در گزینه‌های (۲) و (۳) از حروف ناصبه، و در گزینه‌ی (۴)، حرف جر می‌باشد.

۲ در این گزینه «یهملن» که فعل مضارع مجزوم و جمع مؤنث غایب است، مبنی بوده و اعراب آن محلی است. اما در گزینه‌های دیگر «نون» باید از آخر فعل‌های مضارع، حذف بشود. در حالی که حذف نشده است.

۱ وقتی «لم» به سر فعل مضارع بیاید، معنایش را به ماضی تبدیل می‌کند، لذا با قید آینده به کار نمی‌رود.



۱ با توجه به آخرین عبارت درک مطلب، «لأنَّه ذَبَحَ لنا كلَّ ما عنده» گزینه‌ی (۱) صحیح است.

۳ با توجه به عبارت «هما یریدان أن یصیدا» گزینه‌ی (۳) درست است.

۲ «أقبلُ»: مضارع مرفوع زیرا قبل از آن یکی از ادوات ناصبه و یا جازمه نیامده است. / «أعطی»: مضارع منصوب / «القلیل»: مفعول دوم برای «أعطی» / «ذَبَحَ»: فعل ماضی معلوم / «كلَّ»: مفعول برای «ذَبَحَ» / «عندَ»: مفعول فیه و منصوب

۴ موارد زیر نادرست هستند:  
مثال - لازم - مبنی للمجهول - فاعله ضمیر «هما» - منصوب بالألف

۱ موارد زیر نادرست هستند:  
معرفه - ممنوعٌ من الصَّرف - مشتق - مجرور بحرف جرّ

۲ ترجمه‌ی چهار گزینه (۱) «مورچه، دانه‌ها را برای فاسد کردن آن‌ها پخش می‌کند.» / (۲) «مورچه دانه‌ها را در دل زمین جمع می‌کند.» / (۳) «مورچه دژها را روی زمین می‌سازد.» / (۴) «مورچه رطوبت را احساس نمی‌کند.»

۲ زمانی که مورچه در خانه‌ی خود در دل زمین رطوبت را احساس کند، دانه‌ها را از داخل زمین به سطح زمین می‌آورد.

۱ «التملة»: مبتدا و مرفوع / «مهندسة»: خبر و مرفوع و نکره / «معمارية»: صفت و مرفوع / «تَصْنَعُ»: فعل مضارع معلوم به معنای «می‌سازد» / «القلاع»: مفعول و منصوب / «الحُصُونُ»: معطوف و منصوب / «تحتَ»: مفعول فیه و منصوب / «الأرضِ»: مضاف الیه و مجرور

۳ موارد زیر نادرست هستند:  
مبنی للمجهول - نائب فاعل - فاعله «الحيوان» - مبنی علی الصَّمّ

۴ موارد زیر نادرست هستند:  
جامد - ممنوعٌ من الصَّرف - نکره

۳ با توجه به درک مطلب می‌توان دریافت که حیوانات را روی زمین زیر نور آفتاب پهن می‌کند.

۴ با توجه به متن نتیجه‌ی درستی که می‌توان از متن گرفت گزینه‌ی (۴) است.

۲ دقت کنیم که جمله شرطیه است پس دو فعل باید مجزوم باشند. البته «تجمع» التقاء ساکنین شده و کسره‌ی عارضی می‌گیرد، «التملة» فاعل است. «الصيفِ» و «الشتاءِ» مجرور به حرف جر و «ثمرته» مفعول است.

۳ «حتى» حرف ناصبه است، پس مضارع منصوب است و معرب، لازم است زیرا مفعول ندارد، ثلاثی مجرد است چون در هیچ بابی نیست.

۲ دقت کنیم که از باب افتعال است از ریشه‌ی «نخب» و متعدی است و فاعلش «هو» مستتر است و مضارع مرفوع و «مسكن» مفعول است پس گزینه‌ی (۲) درست است.

۱ ترجمه‌ی آیه‌ی شریفه: «و چه کسی نیکو گفتارتر است از کسی که به سوی خدا فرا خواند و کار نیکو انجام داد؟». «مَن» اول، اسم استفهام و «مَن» در «مِمَّنْ (مِنْ + مَن)» اسم موصول است.

۳ «ما» در این گزینه از ادوات شرط است: «هر آن‌چه دوست نوشت به دقت خواندم!»

نکته‌ی مهم درسی:  
هر یک از دو فعل شرط و جواب شرط. در صورتی که ماضی باشد. می‌تواند به صورت مضارع ترجمه شود: «هر آن‌چه دوست بنویسد با دقت می‌خوانم.»

تشریح گزینه‌های دیگر:  
گزینه‌ی (۱): «ما» حرف نفی است: «چیزی را که دوست نوشت نخواندم!»  
گزینه‌ی (۲): «ما» حرف نفی است: «کسی را که در زد ندیدم!»  
گزینه‌ی (۴): «ما» اسم موصول است: «آن‌چه که از دوستان انتظار دارم، راستگویی است!»

۲ «ما» اسم شرط است و دو فعل مضارع پس از خود را مجزوم کرده است و «تفعّلوا» فعل شرط و مجزوم به حذف نون اعراب و «یَعْلَمُ» جواب شرط و مجزوم به سکون است.  
تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱): «ما» اسم موصول است.  
گزینه‌ی (۳): «ما» حرف نفی است.  
گزینه‌ی (۴): «ما» اسم موصول است.

۳ «لأفهم» فعل مضارع منصوب است. چون علت گوش دادن به سخن معلم را فهمیدن آن بیان می‌کند.  
تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی (۱): «لتصل» فعل مضارع منصوب است. زیرا علت صرف کردن نهایت تلاش ما را رسیدن به اهداف بیان می‌کند.  
گزینه‌ی (۲): «لتصبر» مضارع مجزوم است و لزوم صبر کردن را بیان می‌کند.  
گزینه‌ی (۴): فلیبادر: ف + ل + مضارع = مضارع مجزوم

۲ زیرا از لحاظ مفهوم صحیح نیست چون اقتادن (یقّع) را پیش از حفر کردن (یحفر) قرار داده است.

۱ زیرا فعل شرط «یطلبُ» و جواب آن «یسهرُ» باید مجزوم باشد.

۲ فعل شرط و جواب آن ماضی و محلاً مجزوم‌اند. / (۳) فعل شرط و جواب آن مضارع و مجزوم به سکون است. / (۴) فعل شرط ماضی و مجزوم محلاً و جواب شرط مجزوم به سکون است.

۴ زیرا افعال ماضی با ادوات شرط مفهوم مضارع پیدا می‌کنند، در صورتی که «کان + مضارع» به مفهوم ماضی استمراری (گزینه‌ی (۱))، و «لَمَّا + مضارع» به مفهوم ماضی نقلی منفی (گزینه‌ی (۲)) و «لَم + مضارع» به مفهوم ماضی ساده یا نقلی منفی است (گزینه‌ی (۳)).

۳ ۱) مجزوم بحذف العله (صورت صحیح: مجزوم بالسکون) / ۲) مرفوع بالألف (صورت صحیح: مرفوع بنون الاعراب) / ۴) منصوب تقدیراً (صورت صحیح: منصوب بالفتحه)

- ۴ از متن استنباط می‌کنیم که ۴۰۰۰ «علم از جهتی شرایط را بهبود بخشیده است و از جهتی دیگر انسان را در چاهی افکنده است که خارج شدن از آن دشوار است».
- ۳ «امور در محیط به ضد منافع انسان تغییر پیدا کرده است بعد از اختراعات صنعتی و تسلط انسان بر طبیعت».
- ۴ «بر ما لازم است موضوع را قبل از فوت وقت درک کنیم» از عبارت فهمیده می‌شود که ۴۰۰۰ امکان بهبود اوضاع محیط وجود دارد ولی به شرط شتاب (در عمل).
- ۱ مقدار آلودگی در گذشته بیش‌تر از این زمان ما است.
- ۳ صورت صحیح حرکت‌گذاری عبارت چنین است: «بَعْدَ أَنْ نَجَحَ الْإِنْسَانُ فِي تَحْسِينِ مَعِيشَتِهِ وَاجَهَ مُشْكَلَاتٍ عَدِيدَةٍ».
- ۳ صورت صحیح حرکت‌گذاری عبارت چنین است: «عَلَيْنَا تَدَارُكُ الْمَوْضُوعِ قَبْلَ فَوَاتِ الْوَقْتِ، فَالْحُقُوقُ الْبَيْئَةِ ذَاتُ وَجْهَيْنِ».
- ۲ خطاهای سایر گزینه‌ها:
- ۱ نعت و مجرور محلاً (۳) باب تفاعل، فاعله «المشكلات» (۴) لازم / معرب
- ۳ خطاهای سایر گزینه‌ها:
- ۱ للمتكلم وحده (۲) معتل و أجوف / (۴) مبنی للمجهول و نائب فاعل
- ۲ خطاهای سایر گزینه‌ها:
- ۱ مشتق و صفت مشبهة، نعت و مجرور (۳) مشتق واسم فاعل / (۴) نعت و مجرور
- ۳ یقتلونا: بکشند ما را (رد گزینه‌ی ۲) / الغزاة: غارتگران، جنگجویان (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / عظام: استخوان‌ها (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / لن تلین: تسلیم نخواهند شد، سر خم نخواهند کرد (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / الأبیال: نسل‌ها (رد گزینه‌ی ۲)
- ۳ روستای کوچک ما: قرینتنا الصغیرة (مضاف الیه قبل از صفت آورده می‌شود)
- کتابخانه‌ی عمومی: المكتبة العامة (معرفه است)
- هنوز نساخته‌اند: لَمَّا يَصْنَعُوا (لَمَّا + مضارع مجزوم)
- ۴ با توجه به این‌که عبارت بر این موضوع تأکید دارد که «انسان‌ها خود باید برای تعیین سرنوشت خود حرکت کرده و بعد از خداوند انتظار یاری داشته باشند»، این مفهوم در گزینه‌ی ۴ بهتر دیده می‌شود.
- ۳ گزینه‌های دیگر در مورد تلاش و زحمت برای رسیدن به بزرگی صحبت می‌کنند اما در گزینه‌ی ۳ در مورد نتیجه‌ی کار نیک سخن گفته است.
- ۲
- ۱
- ۴ إجعل: قرار بده / جُهد: تلاش
- ۴ در تمام متن آن‌چه مورد تأکید واقع شده است، اهمیت و تأثیر دوست در زندگی شخص و وظایف دوستان نسبت به یک‌دیگر است. اما عبارت گزینه‌ی ۴ تناسبی با متن مورد نظر ندارد.
- ۱ «اسلام بیش از سایر امور بر دوستی و صداقت تأکید می‌کند» که این مورد در متن نیامده است.
- ترجمه‌ی سایر گزینه‌ها:
- ۲ دوست باوفا همه‌ی کارهای ما را تأیید نمی‌کند، اگر چه ناراحت شویم.
- ۳ دوست، زیبایی دوستش را زیبایی خود می‌داند.
- ۴ دوست مانند آینه است، فریاد نمی‌زند و مسخره نمی‌کند.
- ۲ «کسی که از دوست ما غیبت می‌کند مانند کسی است که از خود ما غیبت می‌کند»
- ترجمه‌ی سایر گزینه‌ها:
- ۱ ما باید در همه‌ی کارها دوستانمان را یاری کنیم.
- ۳ وقتی که عیبی را در دوستان مشاهده می‌کنیم باید آن را از او پنهان کنیم.
- ۴ وقتی که می‌بینیم دوستان گناهی را مرتکب می‌شود نباید او را ملامت کنیم.
- ۳ اشتباهات سایر گزینه‌ها:
- ۱ کثیرة (ص: کثیرة، نعت و منصوب)
- ۲ المصادر (ص: المصادر، با این‌که ممنوع من الصرف است اما چون «ال» دارد، باید کسره بگیرد)، نَجِدُ (ص: نَجِدُ، جواب شرط است و باید مجزوم شود)
- ۴ عبارات (ص: عبارات، مفعول و منصوب فرعاً)، کثیرة (مانند گزینه‌ی ۱)
- ۱ اشتباهات سایر گزینه‌ها:
- ۲ لازم (ص: متعد، خبر و ... (جمله فعلیه است)
- ۳ زیادة حرفین (ص: زیادة حرف واحد)، فعل و فاعله ضمیر بارز «نا» (ص: فاعله «هو» المستتر)
- ۴ مبنی (ص: معرب)
- ۱ اشتباهات سایر گزینه‌ها:
- ۲ مضاف الیه (ص: نعت)
- ۳ نعت و منصوب (ص: نعت و مجرور)
- ۴ جمع التکسیر (ص: الجمع السالم للمذکر)، مضاف الیه (مانند گزینه‌ی ۲)
- ۲ «لَمْ + فعل مضارع مجزوم» به صورت ماضی نقلی منفی یا ماضی ساده‌ی منفی ترجمه می‌شود.
- ۳ در این گزینه «ل» به معنای «برای این‌که» است که «ناصبه» می‌باشد «برای این‌که انسان سرانجام کارهایش را ببیند می‌تواند که تاریخ را مطالعه کند» در سایر گزینه‌ها به ترتیب «جازه، جازمه، جاره» می‌باشد.
- ۲ در گزینه‌ی ۱: «تجدونه» نادرست است و چون جواب شرط است باید به «تجدوه» تبدیل شود.
- در گزینه‌ی ۳: «تعلموا» نادرست است و باید به «تعلمون» تبدیل شود چون دلیلی برای حذف نون وجود ندارد.
- در گزینه‌ی ۴: «حجابهم» نادرست است و باید به «حجابهن» تبدیل شود.
- توجه: در گزینه‌ی ۲، «یطلب» و «یسهر» مجزوم به ساکن هستند ولی به دلیل التقاء ساکنین، کسره می‌گیرند.
- ۳ در این گزینه «ما» موصول به‌کار رفته و جمله‌ی شرطیه وجود ندارد.
- در سایر گزینه‌ها:
- ۱ من یَعْرِفُ ← یَحْقِرُ / ۲ إِنْ قَتَلُوا ← لَنْ یُقْتَلُوا / ۴ مَنْ بَادَرَ ← قَنَصَ

۲ «ما» در این عبارت استفهامی بوده و تأثیری در اعراب افعال نداشته است.

در گزینه‌ی ۱، «من» از نوع موصول است و نمی‌تواند فعل مضارع را مجزوم کند. (ص: یزْع، یَنْتَظِرُ)

در گزینه‌ی ۳، «تُحِبُّوا» بی دلیل تغییر اعراب داشته است (ص: تُحِبُّون) در گزینه‌ی ۴، «لا» نمی‌تواند ناهیه باشد زیرا جمله‌ی مذکور از نوع استفهام است. بنابراین «تعلمی» بی دلیل مجزوم شده است.

۲ در این گزینه «تکون» اسم است و «لام» حرف جرّ محسوب می‌شود اما در سایر گزینه‌ها «لام» جازمه است.

۳ در این عبارت: «یتوکلّ»: فعل شرط و مجزوم / «یصبر»: معطوف و مجزوم / «یفلح»: جواب شرط و مجزوم اما در سایر گزینه‌ها:

۱ «لن تنالوا» و «تتفقوا» منصوب بوده اما «تُحِبُّون» مرفوع است.  
۲ «یتأملّ»: فعل شرط و مجزوم / «یسلم»: جواب شرط و مجزوم / اما «أن یتکلم»: مضارع منصوب

۴ «جلسنا» و «جاء» ماضی هستند. / «تناول»: مضارع منصوب  
۲ در این عبارت «تعلّم» اسم است لذا «لام» از نوع جارّه محسوب می‌شود. در سایر گزینه‌ها «لام» ناصبه است.

۴ با توجه به «للمخاطبین» بودن فعل «تفعّلوا» و با توجه به معنی عبارت، «من» مناسب این عبارت نبوده و «ما» مناسب است.

۲ با توجه به مفهوم عبارت داده شده، «لام» در این عبارت از نوع «ناصبه» است. (برای این‌که از دروغ دوری کنی به عاقبت دروغگویان نگاه کن).  
اما در سایر گزینه‌ها:

۱ «حفر» فعل ماضی است و نباید لفظاً مجزوم شود.  
۳ «تاکلّ» بی دلیل منصوب شده است.  
۴ «الکسلان» مفرد است و «ینجحا» مناسب آن نیست.

۴ در این عبارت «لم یؤمنوا» مضارع مجزومی است که در نقش خبر قرار گرفته و محلاً مرفوع نیز می‌باشد.

۴ انواع «مَنْ» و «ما»  
- مَنْ و ما موصول/ کسی که - چیزی که / اسم / معرفه  
- مَنْ و ما استفهام/ چه کسی؟ - چه چیزی؟ / اسم / نکره  
- مَنْ و ما شرط/ هر کس - هر چه / اسم / نکره  
«مَنْ و ما» شرط = «مَنْ و ما» جازمه = «مَنْ و ما» عامل  
«مَنْ» در گزینه‌ی ۴، «مَنْ» موصول است.

۱ «لَمّا» بر سر فعل ماضی ظرف زمان و به معنی هنگامی که است و فعل «انتشر» فعل لازم و به معنای منتشر شد. بنابراین گزینه‌ی ۱ درست می‌باشد.

۴ «وُلِدَ»: متولد شد، به دنیا آمد / «یُمُوتُ»: می‌میرد. / «یَبْعُثُ حَیّاً»: زنده مبعوث می‌شود، زنده برانگیخته می‌شود.

۳ «لا تسمع»: اجازه نده (نهی است) / «لهؤلاء الشّباب»: به این جوانان / «ما»: آنچه / «یسلبوا قدرّکم»: قدرتان را سلب نمایند

۱ ترجمه‌ی درست سایر گزینه‌ها:  
۳ (۱) «زیر اشعه‌ی نقره‌ای رنگ ماه نشستیم» / (۲) «باید به ستم‌دیدگان جهان کمک کنیم» / (۴) «زنگی را بر گردن گریه می‌آویزد»

۴ با توجه به ترجمه‌ی آیه که می‌فرماید: «اگر (پدر و مادر) تو را وادار کنند که به من شرک بورزی نسبت به آنچه که بدان علم نداری، پس از آن‌ها اطاعت نکن». گزینه‌ی ۴ درست است که می‌گوید: هیچ اطاعتی از شخصی نباید کرد تا زمانی که معصیت و نافرمانی خداوند در آن است.

۴ یفتخرُ: افتخار می‌کند (رد گزینه‌ی ۱ و ۲ و ۳)  
/ قُتِلَ: کشته شد (رد گزینه‌ی ۱ و ۲ و ۳) / کلاهما اسوةٌ: هر دو الگویی می‌باشند (رد گزینه‌ی ۱ و ۲ و ۳) / جمیع العالمین: همه‌ی عالمیان (رد گزینه‌ی ۱ و ۲ و ۳)

۲ قد عرفوا: شناخته شده‌اند (رد گزینه‌ی ۱، ۳ و ۴)  
/ لم یضیعوا: تباه نکردند، تباه نکرده‌اند (رد گزینه ۴) / توصّلوا: دست یافتند (رد گزینه‌ی ۱ و ۴) / عمرهم: عمرشان (رد گزینه‌ی ۱) / حقیقة الحیة: حقیقت زندگی (رد گزینه‌ی ۱ و ۳)

۲ «بزرگ‌ترین عبادت از نظر پاداش، مخفی‌ترین آن است» ارتباطی با جمله‌ی «گشاده‌رویی بهتر از بخشندگی است» ندارد.

۲ مقالات المجلات الطبیّة: مقاله‌های مجلات پزشکی (رد سایر گزینه‌ها)

در گزینه‌ی ۱) «المفاصل» مفرد ترجمه شده است که نادرست است. ضمناً «تُسکَنُ»، «آرام می‌کند» معنا می‌دهد نه «کم می‌کند».  
در گزینه‌ی ۳) «قَدْ کُتِبَ»، «نوشته شده است» معنا می‌دهد نه «نوشته می‌شود».  
در گزینه‌ی ۴) «أَنْجَا» اضافه است و «تُسکَنُ» فعل است.

۴ در گزینه‌ی ۱) «هر کار زشتی» نادرست است. ضمناً «عواقب» به معنای «نتایج» جمع است و «فاعل» به معنای «انجام دهنده» مفرد.

در گزینه‌ی ۲) «یُدْفَع» به معنای «پرداخت شود» است چون مجهول است.  
در گزینه‌ی ۳) «یُمْکِنُ أَنْ یُوجَدَ فی زوايا غرفتنا»: ممکن است در گوشه‌های اتاقمان یافت شود.

۳ «آیا مردم پنداشته‌اند که رها می‌شوند همین که بگویند ایمان آوردیم و آزمایش نمی‌شوند» با گزینه‌ی ۳) تناسب معنایی ندارد.

۲ یُعْتَبَرُ الْعِبَادُ الصّالِحُونَ مِنْ مَفَاتِیحِ أَبْوَابِ الْهَدَى: بندگان صالح از کلیدهای درهای هدایت به شمار می‌آیند. [شمرده می‌شوند]